درددلى باهموطنان گلستانى این یک آزمون است

### شمارشمعكوس

## جایزه سومین دوسالانه دکتر قهاری به انجمن «زنان مبارز با آلودگی محیطزیست» تعلق گرفت

# **دریغ است ایران که ویران شود**



طرحنو اسارا شمیرانی امحیطزیستی ها که کنار عم جمع می شوند نمی دانند برای گفتن مشکلات اردی کی است و کنند. از دریاچه ارومیه که دیگر به احیا آن امیدی نیست یا از آشــورادهی که قرار است به زودی قطب تازه گردشگری شرود و هزار گرفتاری به گرفتاری های دیگر محیطزیست اضافه کند. برای همین هم حرفها آنقدر زیاداست که در یک برنامه ساعته تمام نمی شود و در نهایت ناگفتههای زیادی ۲ ساعته تمام نمی شود و در نهایت ناگفتههای زیادی باقی می ماند. همایش «از زمین وزمان» که ویژه جایزه دوسالاته دکتر قهاری بود، فرصتی را فراهم کرد برای این که انجمن های محیط زیستی کنار هم جمع شوند. اهمیت مسأله جهانی محیط زیستی کنار هم جمع شوند. روز به آن اضافه می شــود و به وجود اَمدن یک الگوی ُ ویران کننده جهانی که اینبار تنها مربوط به کشور ما . شود، باعث شد تااب حاب وامسال به انحم های معال به محیطزیست تعلق گیرد و از ۱۰ نهاد برتر در این حوزه تقدیر شــود. در نهایــت هم جمعیت «زنان مبارز با الودگی محیطزیست» مقام اول را به دست آورد و به عنوان فعال ترین نهاد در این حوزه شناخته شُد. جَایِزه این دوسالانه که سـوُمین دُوْره آن برگزار شد، سال های گذشته به موسسات محک و رعد تعلق ئر فتەبود.

#### بُهمافعالان«محيطايست»مىگويند نه «محیطزیست»

... پژوهشگرانی که سابقه زیادی در ادارات مرتبط محیطزیست داشتند و جزو فعالان این حوزه به حساب می آمدند از جمله شرکت کنندگان در این مراسم بودند که هر کدام چند دقیقه ای فرصت برای سخنرانی داشتند. یکی از مهم ترین سخنرانان ىدباقرصدوق،معاون پيشين محيط زيست بودكه

به نیزار می شود. از وضعیتی که چندان خوشایند نیست و وعده و وعیدها فقط می تواند یک دلخوشی ساده باشد برای این که فکر کنیم بالاخره همه چیز درست می شود. صدوق حرفهایش را با دریاچه اروُمیه آغاز کرد که ۱۰میلیارد تن نمک این دریاچه . مانند یک بمب سـاعتی برای محیطزیس سند یک بین بین بین سطحی بری معید ریست مین می کند اووزارت نیرورامه چترین مقصر خشک شدن در یاچه ارومیه می دانست و گفت، مصرف بی رویه آب و گسترش باغات باعث شد تا امروز با دریاچه خشک و نسترش باعات باعث سد ما امروز با فرریچه حشد. شدهای روبهروشویم که مثل یک جنازه روی دستمان مائده و کاری از دستمان بر نمی آید صدوق در ادامه، حرف هایش را بامسأله آزادراه تهران – شمال ادامه داد و گفت، وقتی مسئولان فکر می کنند، اگر مسیر تهران و عصورتی سیرودی بینی میکند. به شمال را کوتاه کنند یعنی موفقیت بزرگی بهدست آوردندو در ســوخت صرفهجویــی کردند دیگر چه می توان گفت؟ در طرحهایی که ارایه می شود کسی به یی رئی این فکر می کند که مردم شمال، باانبوه توریستی که قرار است ۲ ساعته به شهرهای شمالی برسندباید چه كُنْد؟ إذ كحابايد آب موردنيا زاين همه مسافر تأمين سسه. از نجه پیده به موردنیار این همه مسافر نامین شــود؟ همین امروز که تا شهرهای شمالی ۵ ساعت راهاست اکثر تهرانی ها آخر هفته خود را در شــمال

دراين همايش از تالابهايي گفت كه رفته رفته تبديل

می شدند که این ایدهها هیچ کدام نه تنها در مسیر توسعه نیست که هر لحظه ما را به ویرانی نزدیک ر آن رااحاطـه کـردهاس سی گذرانند چه برسد به این که مسیر کوتاه ترهم شود. وقتی مسئولان نمی دانند یکی از جذابیتهای پیگیری او و همکاُرانشُ در آن سالها نتوانست راه بهُ جایی ببرد و جلوی بریدن این درختها گرفته شود. هرشهری برای توریستها لذت بردن از مسیر و دیدن مناظر است و با تخریب جنگلها و کوتاه کردن مسیر این امکان را از مسافران می گیرنــد چه باید که فعت؟ او در ادامه گفت که سیال ها بعد، تبعات قطعشیدن خُتان باعــث بهوجود آمدن گرد و غباری شــد که ین ۱۰۰۰ روز هستان مطرح می شود و جلوی کار گرفته وقتی این مسائل مطرح می شود و جلوی کار گرفته می شود، آن وقت است که به فعالان «محیطز یست» در حمان باعت به وجود امدن درد و عباری سد ته گریبان شهر بم را گرفت و باعث شد تاریز گردها تمام به کنایه فعالان «محیطایست» می گویند که در همه

كاشمثل سرخپوست هاعمل مى كرديم ری ری است ساخت خانه زیاد خاک را جابه جانمی کنیم. هیچ گیاهی را از ریشه نمی کنیم. در فصل بهار آرام قدم برمیداریم ُچرا که مادر زمین باردار است. ما به هیه درختی آسیب نمی رسانیم، جالب است بدانی برنی دریم پرت تصررمین بردار مست بایی درختی آسیب نمی رسانیم» جالب است بدانید گفته های بالاجزوم رام نامه مردم این سرزمین در رابطه

سازُمُان گردشگری به کار خودادامه دهند. فاطمه ظفرنــــژاد، ابوالفضل وطن پر ســـت و مهر داد محیطزیستی به کارخود پایان داد. در ادامه همین صفحه باسازو کار انجمن «زنان مبارز

کارها خلــل ایجاد می کنند و نمی گذارند کشــور در مسير توسعه پايدار قدم بردارد. اما كاشُ همه متوُجهُ

«ما جزیی از طبیعت هستیم نه رئیس آن. ما موقع ت. این جملات را سرخیوستان ا بعجهازیست نیست این جمالات را سخویستان قبایل که بن سالهای پیش برای این که در الف برمین خودباشند سراوحه زندگی خود قرار دادند در ادامه همایش رمینی و زندان دکتر خدیجه در فروی عضو کتوانسیون مبارزه با بیابان[زایی سازمان ملل متحد این موضوع[مطح] کرد و گفتای کاشی می توانستیم این موضوع[مطح] کرد و گفتای کاشی می توانستیم این موضوع[مطح] کرد و گفتای کاشی می توانستیم إز مشكلات اخير شهرهاي جنوبي گفت كه ريز گردها ــت و تمام مشــكلات گردن کشور های حاشیهای مثل عراق می افتد رضوی در اینباره خاطرهای نقل کرداز سال ها پیش که درختان جنگل هــای کهور کرمان شــبانه قطع می.شــدند و

اتحاد۱۳۰ «ن جیاو»برای نجات آشوراده مژگان جمشیدی هم یکی دیگر از فعالاتی بود که

در این مراسم حضور داشت و بیشتر درباره مسأله آشوراده صحبت کرد. جمشیدی معتقد بود مسأله آشوراده نبايدبه راحتى ناديده گرفته شودو همان طور که فعالان محیط زیست مانع تخریب جنگل ابر شدند و یازده سال مبارزه و مقاومت آنها باعث شد تا این جمشــیدی در این همایش گفت: اولین کنوانسیور به سیدی طریق مسیدی زیست محیطی در سال ۴۹ به اسم ایران ثبت شده اما امروز بعداز گذشت ۴۴سال ما هیچ چیزی برای ارایه مقابا محبط: ب بوداما امروز اثرى از هيچكدام از اين تالابهان و تا مردم عُزُمشًانُ را جزم نكنند سرنوشت درياچه ارومیه و دیگر مشکلات محیط زیست به قوت خود مُناطق بكر كشورُ مأن مثل اَشـوراده شويمٌ واز اَتحاد ١٣٠ نهاد و انجى او فعال محيط زيستى براى نجات أشوراده گفت كه قرار است تالغو تمام تفاهمنامهها با

میرسنجری نیز از دیگر سنخنرانان ایس همایش بودند درنهایت برنامه با معرفی انجی وهای فعال

با آلودگی محیطزیست» که به عنوان نهاد بر تر در این موز<sup>°</sup>ەشناختەشد<sup>°</sup>،آشنامىشۈيد

ناشت. در این کلاسها سعی شد تا معلمها نیز با

بسیاری از فاکتورهای حفاظت از محیطزیست آشنا

شوند. از ســویی دورههایی را نیز در منطقه ۶ برگزار

کرُدیم کُه در اُن پیمانکارها، اعضای شهرداری و حتی

شهردار مناطق نیز حضور داشتند و به آنها نحوه بهتر

عمل کردن در محیط زیست و راههای کمتر ضربه زدن

به آن را آمــوزش میدادیم که یکی از این موارد، نحوه تفکیک زباله بود که این آموزشها درنهایت بســیار

معنیت ربانه بود نه این امورس ها دربهایت بسیار تمربخش بودند و چنین مـ واردی همچنان نیز ادامه دارد این قال محیطز بست در ادامه می گوید: ما یکشــنبه اول هر ماه در ســالن اجتماعات دانشکده محیطز بســت گردهمایی داریم و به بحث و بررسی

اسیبها و مشکلات محیط زیستی می پردازیم. او آسیبها و مشکلات محیط زیستی می پردازیم. او وضع حال حاضر، با گذشته را در زمینه شناخت مردم

از انجمن های مردمنهاد بهتر می داند اما همچنان

دو مشکل «نداشتن پشتیبان اجرایی و پشتیبان مالی» را ازجمله مشکلاتی میداند که طی سالیان

متمادی از بین نرفته و همچنان وجود داشت است

و می گوید: «تا زمانی که دولتی ها تعدادی

برای آهداف ُخود مبارزه می کنیم و این

موار دنیز نتوانسته اثر گذار باشد.»



آبرومند باشــُد در ایــن منطقه - بُــا اقلیمُ متنوع خود - موجود اســت که اگر شناخته شده و قدر دانسته شوند تضمين كننده زندگی سالمُ ساکنان آنُ است. گلستان سرزمینی است که مرحوم لوییز فیروز در آن دو نژاد اسب بینظیر و شناخته شده در جهان را پرورش میداد: «سبچه خزری» بهتریسن خاطره ام در آنجا سساعاتی بود که در جنگلهای ناهارخسوران گرگان به بازی و گشت مشغول بودیم. هنوز بوی مطبوعی کـه از آن جنـگل به مشــام میرســید در خاطرم مانده اســت. حدود ۳۰سال بعد که به ناهارخوران بازگشتم به جای جنگلهای انبوه و زیبایی که در خاطر داشتم ساختمانهای فراوانی را یافتم که هیچ زیبا نبودند. جایشان آنجا نبود. هویتی نداشتند. جز زشتی عمیق چیز دیگری در آنها ندیدم. اکنون نه تنها نهار خــوران به چنین وضعی افتاده بلکه چند کیلومتر دور تر، روســـتای زیارت چنان از هویتُ خوْد خُالُی شُده است که یکی از سمبلهای تخریب محیطزیست طبیعی و انسانی در ایران محسوب می شود. طی چندسال گذشته حریصان و طماعان، روستاییان زیارت را با پرداختهایی ناچيــز فريفته و زمين هايشــان را تصاحب آناُن در زُمینهای روستای زیارت و بــه جای خانه هــای ســنتی و اصیل آنجا

و «اسب ترکمن» (با سـه تیره آن). چنین بود که محققان زیادی از تمامی دنیا به روستایی کوچک در گلستان میآمدند تا رر یکی رپ اسبهای آن را بشناسند و همه اینها نتیجه زحمات زنی بود که اگرچـه ایرانی نبود اما رخصات رای بود نه از برچه، یرانی ببوداها عاشق ایران و اسب هایش بود، ای کاش میراث او خفظ شود و به فراموشی سپرده نشبود، آری گلستان، سرزمین ویژهای است. صنایع دستی آنجا - و در رأس آنها فرش ترکمن - یکی از بهترین زمینههای فعالیتهای شغلی در آن استان است که باید قدر دانسته شوند. نهتنها دولت بلکه . خود ترکمنها باید قـدردان چنین میراث باارزشی باشند. از دیگر داشتههای باارزش آن منطقه شـترهای آن اسـت کـه نیاز به همتی همهجانبُـه دارد تا باعث مشـاغُلی متنوع و دلپذیر برای روســتاییان شــود و ای کاش بهبود جمعیت نژاد شتر دو کوهان گلســـتان - که بومی آنجاست - مورد توجه

قرار گیرد. آری این است گلستان بی نظیر

امروز هموطنان گلسـتانی من - از همه وام - در برابر آزمونی جدید واقع شدهاند.

نگاههایی ناپاک به سوی جزیره آشوراده

دنههایی بات به سخورانه - تنها جزیره ایرانی دریای خزر - دوخته شده که به آن چون فرصتی برای زر اندوزی بیشستر مینگرند. آنان چنان به روشهای تجاری ناپاک خـو کردهاند کـه جزیرهای

به این اهمیت را تخریب شده میخوانند

. یک دید در در به اصطلاح عامیانه چـرا که عـادت دارند به اصطلاح عامیانه خودشـان، توی سـر مال بزنند. آنان فقط

جوش خوردن خودشان)

كه مثلا اشـتغال(!) ايجاد

مرص هموطنان گلســتانی من نیک میدانند که آشوراده

افتخار ایران است که به ریری امانت در دستانشان قرار گرفته است. امید فراوان

ـت. امید فراوان

ی کننے یا ہے منطقہ رونق اقتصادی میدهند.

ده و وعيـ

ــد نمونه تواناییهای فراوانش

تان بــرای یــک زندگی متوس

نگاه منتقد



روز در سال بیشتر نبود - ساختند و بازار رور عرست بیسر بود دلالی را رواج دادند. روستاییان نیز که با پولهای بهدست آمده کاری نتوانستند بکنند بعضا آواره شهرها شده یا سرایدار بست بست ورز مسهرت مالکان جدید شدند. آری ایس است سرنوشت بومیانی که از سر نا آگاهی یا طمع، میراث گذشتگان خود را ترک گفته و زندگی سالم - و البته پرتلاش - خود را به امید رفاه خیالی ترک گفتند. آنها نه تنها به امید رفه خیابی برت نفست. ایه نه نهیه به چنان رفاهی دست پیسدا نکردند بلکه عزتشان نیز خدشعدار شد. اگر در گذشته برای امرار معاش باید سـختی کار را تحمل می کردند اما در عوض سلامتی ناشی از کار

مانی و لذت حضور ی و سب مصور در باغهایشان یا مراتع را استان گلستان کـه از زیباتریان مناطق کشورمان است، سرشار از مناطُق بکر و ارزندُهای ت کنه در ننوع خود است سده ترسی عر بینظیرند و ایس خود باعث شده تا حریصان و طماعان بدان چشم زیبایسی در معرض نگاههای ناپاک قرار می گیسرد و ایسن وظیفه

ا تاجرانی هستند که برای انجام معامله (یا همان امروزهموطنان كلستاني من – از همه اقوام – در برابر آزمونی جدیدواقع شده اند. نگاههایی ناپاک به سوی جزیره آشوراده - تنهاجزیرهایرانی در بای خزر -دوختهشده كەبە آن چون فرصتى براى زراندوزی بیشترمی نگرند. آناُن چناُن به روشُهای تجاری ناپاک خوکر دهاند که جزیرهای بهاین اهمیت را تخریب شده میخوانندچراکهعادتدارند اللاح عاميانه خودشان،

> تجربه روستای زیارت و صدها نمونه مانند اُن می دهد که این سوداگران هر گز نه فکر رفاه مردم هستند و نه قدمی در این راه بر میدارند. آیا می توان سرنوشت خود و فرزندانمان را به چنین انسان هایی

» ر آنچه کـه مورد نیـاز اهالـی محترم

ترقیه است. امید فراوان داریم که اهالی محترم منطقه این بار - با تکیه بر تجارب گذشته - با کمک سایر هموطنان خود اجازه ندهند که توىسرمال بزنند غارتگـران و تخریب کننـدگان طبیعـت و فُرهنــُگ، ایــن جزیــره منحصربه فرد را و فرهست، این جریره محصربعود را تصاحب کنند. بیشک ایس مقاومت آکاهانه و قانونی موجب خواهد شد تا نام مردم استان گلستان در تاریخ این کشور به نیکی بدرخشد. نام زیبای گلستان سزاوار سرزمینی است که به واقع پر گل باشد.



## جامعه مدني

🚰 عبوراز ۲۳سال رنج زیست محیطی

جمعیت «زنان مبارز با آلودگی محیطزیست» رابشناسید

تشکیل شد. این ایده اما ۴ سال برای رسمیت یافتن، در حقیقت هنوز در ابتدای راه قرار داشتیم. از سویی طرح نسو اپنے زن بودند آن زمان کے برای اولین بار به سمت رسمیت بخشیدن به فعالیتهای محیطزیستی شان پیشقدم شدند. ۵ زن بودند و همین حضور زنانه هم باعث شــد که نام انجمن شان «جمعیت زنان مبارز با آلودگی محیطزیست» شود. فعالیت این جمعیت اما در عمل معطوف به زنان عهنایی باین جمعیت اسا در جمای معطوبی به رانان باقی نماند و اقشار گستردهای را دربر گرفت، مردها به فعالیتمای داخلی انجمن ورود پیدا کار دندو تعدادی از صندلی های هیات رئیسه را نیز بهخود اختصاص دادند. فعالیتهایشان گسترده تر شد و با گذر زمان افراد مختلف و از اقشار مختلف ا بهسمت خود حذب ین ُجمعیّت برنده «ُجایزه دوسالاُته دکتر قهاری» در یکصدوپنجاهمین گفتمان هنر و معماری . در است. جایزهای که در نوع خود دارای ارزشهای بسیاری است. شهلافارسی منفرد، رئیس هیات امنای اهُداف وُ چِگُونگی این انجمن درخصوص این جایزه به «شبهروند» می گوید: «وقتی بسرای دریافت جایسزه رفتم، بغض

ــته بود. نــه صرفا بهخاطر راه گلویی را بس این جایزه، بلکه دوست داشتم خانم «مدلقا ملاح» که ۲۳سال پیش با یکدیگر تصمیم به راهاندازی این نجمن گرفتیم، این جایزه را دریافت ىي كرد. او اما بەدلىل كھولت سے: . ن بيايد و من هم اين جايزه را پـس از دریافـت به ایشـان و خدمات اُرزندهشان تقدیم کردم.» جمعیت زنان مبارز، ۲۳سال پیش با ایده شهلا فارسی منفرد که مدت طولانی ازجمله پرسنل حفاظت محیطزیست و نماینده این سازمان در نهاد ریاست جمهوری وقت بود و مهلقا . فلاح ازجمله علاقهم

زمانی که من در سال ۱۳۷۸ از سازمان محیطرزیست بازنشسته شدم، تنها ۱۸ سازمان محیطریستی وجود داشت که آنها همان طور که گفتم بسیار گرفتار فرم شامل مرور زمان شد تا این که درنهایت در سال سسطی مرور رمان سد تا این که درخهایت در سسا ۱۳۷۴ این جمعیت بهشگلی رسمی از وزارت کشور پروانه دریافت کرد. فارسسی منفرد در این خصوص میگویــد: «آن ســال ها انجمنهــای مردم:هاد و فعالیتهایشــان، نزد بودند تامحتوا.» او از جمله اهداف این جمعیت را که از ابتدابر آن

تأكيد داشتند، انطباق فرهنگ زيستمحيطي مردم و مسئولان ناشناخته بسود و از این رو بسرای دریافت مجوز سختیهای بسیاری را باید متحمل میشدیم. ما نیز این سختیهارا کشیدیم و توانســتیم به ثبترســمی برســیم. ما در آن زمان هنوز درگیــر تعاریف بودیــم و از

" در ساخت کشور میداُند و میافزاید: «برای شكل دادن به أبن ديدگاه ما فعاليت هايمار: را اِز پایه شـکل دادیم. از اینرو به ارتباط با آمـوزش و پــرورش پرداختیـــم. برای معلمان کلاسهایی برگزار کردیم تا به دانش آموزان، حفاظت از محیطزیست رابياموزندو أنهارا بااهميتاين موضــوع آشــنا ســازند. کســانیکه آینده

از پروژههایشان را به موسسات مردم نهادوا گذار نکنند، این موسسات ر ۱۹ ر نمی توانند بــا برنامهریزی به افزایش در آمدهای مالی شان بیر دازند چراکه موسسات مردمنهاد همگی با مشکل کمبود بودجه و نداشتن درآمد پایدار واحهنُد. مَا تا سُــال ها حلَساتُ حمعت را دُر منزل خانم ملاح برگــزار مي كرديم و دلیل اصلی این وضع هم درآمد ناکافی بود. هرچند شهرداری در برخی مُوارد و جلَّـ بند شهرداری در برحی موارد و جلساتی که داشـــتیم با ما همراهی میکـــرد، اما درنهایت هزینهها همواره بالا بودهاند و این برای اُدامه حیات کار را دسُـوار سازد. هرچند ما مدتهاست که